امروز با مولانا خوباما کن ز دیگران خو واکن

دل را بگشای و سینه را دریا کن





## محيط زيست ازجامعه جدانيست

تهم باخطر جدى مواجه است. قطعه اي به است که خیلی پیش از این اتفاق افتاده بسود. جالب است بدانید ايران كمترين تعدادمحيطبان ، ست جغرافیایی در جهان دارد و بیشترین تعداد در جهان دارد و بیشترین عداد کشته شدگان محیط بانی سراسر جهان نیز مربوط به ایران است. این آمار توسط سازمان محیط زیست مورد تأیید قرار گرفته است. تعداد زخمی های

فراوانی که چشم،دست یااعضای دیگر خود را از دست دادهاند. این

باهفته كتاب

تلاش هاند که توسط آدمیان تحریه شده در حند

می دهیم. سرانه مطالعه هم در کشورمان به حدی پایین است که اصلانیازی به سخن گفتن در

، مورداهمیت هفته کتاب نیست از جوانان کشورم درخواست می کنم برای ســاختن پایههای آینده

ایرانی آباد به مطالعه روی آورند. وضعیت مطالعه در

کشور ما، باعث صدمه به زیرساختهای مدیریتی

هم شده و برخی مدیران به خاطر متاسفانه ماانسان هاگاهی عدم آگاهی و مطالعه، رفتارهای

فتيار ما قرار مي گيرد. متاسفانه ما صفحه دراختیار ما قرار می گیرد. متاسفانه ما انسانها گاهی اوقات این ثمره و حس را از دست

ا کی ر غلطی از خود نشــان میدهند

جا دار د برای موفقیت خودمان هم که شده در این مسیر گامهای

استوارتری بر داریسی آموزش و

سطور مری بر صرف البورس و پرورش در عرصه فرهنگسازی مهم ترین نقیش را دارد و باید فرهنگسازی را از سنین پایین

و در مقاطع ابتدایی و راهنمایی آغاز کند.

کند و این مفهوم را در خانواده خود جا بیندازد. انشاءالله به آیندهای برسیم که مردم از کتاب بهتر

سر صد. برای ورودبه راه پر فراز و نشیب کتاب،هر کسی بایداز خودشروع

اولبايداز خودمان شروع كنيم

اوقات این ثمرہ و حسر ااز

دستمىدهيم.سرانهمطالعه همدر كشورمانبه حدى پايين

است كهاصلانيازى به سخن

گفتندرمورداهمیتهفته کتابنیست.ازجوانان کشورم

درخواستمی کنمبرای درخواستای کنمبرای اختن پایه های آیندهایرانی

آبادبه مطالعه روى آورند

چراکه با خواندن هر کتاب، چکیده بســیاری از استفاده کنندوایرانی آبادتر داشته باشیم

احسان قائم مقامي

هفته کتاب یک اقدام فرهنگی لاز مبرای جامعهای

است که سرانه مطالعه در آن وضع چندان مناسبی ندارد قرار دادن روزهایی درسال با عناوین خاص

می تواند انگیزه خاصی را در بین افراد مختلف یک جامعه ایجاد کند در کشـور ما هم تا کنون سعی

- حدویدی را در تقویم قرار دهند که مردم را به موضوعات خاصی نظیر کتاب علاقه مند کنند. شده عناوینی را در تقویم قرار

این سازو کار بسرای کتاب

دو رویداد را مدنظے قرار داد؛

یکی نمایشگاه کتاب و دیگری برگزاری هفتهای تحت عنوان

«هفتــه کتــاب». کتــاب در

زندگی انسان هاجایگاه ویژهای

دارد. ایس کالای فرهنگیی

۔ باید مورد توجه قــرار بگیرد

ء غافلشـدن از ایـن موضوع

به واقع موهبت و فرصتی تکرار ناشدنی را از انسان

، همراهم که زنگ خورد، صدای موزیک

توسیعی معرضه به رفت خوره نسته ی موریت را کم کردو دست برد آینه را مرتب کند. گوشی من مثل همیشه سر زنگ دوم قطع شد. شماره ناآشنا

بود و تا آنالیزش کنم؛ دوباره صدای موزیک بالا رفت. دختر قد کوتاه بین ماشین ها راه می رفت و سه بسته

دستمال کاغذی چهار گوش مربعی را بامهارت بالای سرش گرفته بود. به ماشین ما که رسید، نگاه آشنایی

به من کردو به شیشه زد. من سرم را از گوشی بلند کردم نگاهش کردم و ناخودا گاه لبخند زدم از پشت

شيشه اشاره كردكه دستمال بخرم راننده سرش رااز

جهانگیر رها

زندگی بهتر کدام است و برای رسیدن به آن از کدام طرف باید رفت؟ دوزیست در ادبیات سیاسی

ندام طرف باید رفت: دوریست در ادبیت سیاسی به کسانی اشاره دارد که هم در ایران زندگی می کنند و هم مثلا شهروند آمریکایی محسوب می شوند. این واژه در مفهوم زیست محیطی اشاره به موجودی دارد

که هم در آب زندگی می کندو هم در خشکی، از سوی دیگر، در بعد اجتماعی هم اشـــاره به افرادی دارد که

درخانه و روابط شخصی در مقایسه بااجتماع رفتار درخانه و روابط شخصی در مقایسه بااجتماع رفتار متفاوتی دارند عبارت «آخرین درنا» در متن ترانه ما در آلبوم «خرس ســیاه بلوچی» حکایت از ماجرایی

در انبوم سخرس نسبه؛ بنوچی «خدایت از مطرجرایی واقعی دارد.صحبت بر سر درنایی است که سال هاست به تنهایی درحال مهاجرت است تنها می] بد و تنها می رودستار دریایی و مرجان و بوزیانتگ آسیایی هم موجوداتی هستند که واقعا درحال انقراض هستند

أرتيميادر درياچه اروميه كهالبته تنها گونه موجود در

جامعهخشونتعلیهحیوانها وجودنداشتهباشددرمورد

انسان هااصلاو جودنخواهد داشت.اینموضوعنشان میدهدمشکلاتفرهنگیتا عميق ترين لايه هانفو ذكر دهاند

مىخواھد محيطزيستى حرف معتقديم،وقتىدريك

سابقه آن به سالها قبل باز می گردد. گروه ما با نگاه انتقادی به مسائل اجتماعی و محیطزیستی می پــردازد.مــا مســائل اجتماعی را از مشــکلات محیطریستی جدا نمی دانیم. نباید گمان کنیم یک مشخص محیطزیستی فقط مصحطزیستی فقط محیطزیستی است کسی که

رر سب جتماعی حرف بزند، چون این یک دغدغه تخم دغدغه تخصصی است. سخن بر سـر فرهنگ غلطی است که تا زمانی که آنها را داشته باشیم، بقيّه مشكلات هم وجود دارد و بنابراین باید از آنها انتقاد کرد به در میسان ما ۴ نفسر (اعضا<sup>ی</sup> گروه خُورشیدسیاه) و چه در موضوع پُسیار وحشتناکی است. البته این مورد به تازگی رسانه ای شده درحالی که فضای کار مادر بخش زیست، محیطی بیشتر است

ما در این کارمان خشونت علیه حیوان ها را محکوم کردهاییم. چراکسه معتقدیم، وقتیی در یک جامعه خشونت علیه حیوانها وجود نداشته باشد در مورد انسان هااصلاوجود نخواهد داشت اين موضوع نشان مىدھدمشكلاتفرھنگى تاعميق ترين لايەھ

کردهاند. در کار ما هم اشاره به خرس قطبی سمیرم یکطنز تلخوحشتناک است.این نکته بهقدری ساده یت عمر نماو حست تا ست. ین عمه بعدر کاست. است که حتی بچه مدر ســهای ها هم آن را می دانند. اگر فیلم کشتار خرس ها در سمیرم را ببینید بیشت با این قطعه ارتباط برقرار می کنید. سطح خشون باین فقعه اربخه برفرار می نتید سطح حشوت بسیل بالاست و به همین خاطر تماشای فیلم به افراد زیر ۱۸ سال توصیه نشده است گویی باید تاریخی بر بیننده گذشته باشد فکر کنیدخرس ماهدر اکشته اند و حالا دو توله خرس دارند کنار مسادر ناله می کننده شکارچیان زنده زنده شکم دو توله را باز کردهاند تولهها ُدور ماَّدُر می گردندواز او کمک می خُواهنداما مادر مردهاست.

ور میخواهی کے کان گوهیر باشی

ما زیبائیے خویےش را زیبا کن



### اميدخوب است امامديريت هم بدنيست

به تــالاب گاوخونــی نرســیده اســت. دکتر احمدعلی کیخا، معاون محیط طبیعی سازمان ست با بيان أين مطلب گفت: هنوز آبي به تالاب گاوخونی نرسیده است. به نظر می رسد برداشتهای فراوان و خشک بودن رودخانه برداست. های عراوان و حسب بودن رودخانه به مــدت زیاد از جمله مواردی است که موجب می شود بخش قالبل توجهای آز آب رهاسازی شده صرف نفوذ در ســفرمهای آب زیرزمینی شــود. رســیدن آب به تالاپ گاوخونی زمان می برد اما امیدواری ها حاکی از آن است که باادامه روند .. ررک بارندگیها در غرب اصفهان، همانند ابتدای سال زراعی جاری تــالاب گاوخونی و زایندمرود پر آب باقى بماند. تالاب بين المللى گاوخونى از سال

آب رهاســازی شــده در زاینــدهرود هنــوز 💎 ۱۳۷۷ دچار خشکسالی شــده و مسائل زیست محیطی را در اصفهان به وجود آورده است. به نظر می رسد علت خشکسالی در استان اصفهان از یک سو اقلیم این منطقه و از سوی دیگر افزایش مصارف در دو استان بالادست باشــد. از سوی دیگر در طول این مدت سالانه منابع ورودی آب ـــ ر ر ر ر ر ... درحالی کاهش داشته که در طول همین مدت، مقدار آب منابع واقعی استان به کمترین میزان خود رسیده است. آنچه در این بین اهمیت دارد آن اسـت که علاوه بر ابراز امیدواری کردنهای همیشگی، به فکر مدیریت بهینه این منابع مسیستهی، به نسر سیریت پهینت بی سایح خصوصا در مصارف کشاورزی باشیم چراکه آب موردنیاز برای کشاورزی بیشتر میزان آب مصرف شده در طول سال را به خوداختصاص داده است.



وارد خانه شــود،مرده از آنجا

### وقت لازم بودتابه صلح عادت كنند

اسماعيل كاداره

گیــورگ ضمــن نظــاره بقچەبندى بدون شک محتوی جهیز عروس بود، متحیــر بود که فشسنگ جهیز عروس را که قانون به شـوهر اجازه می داد همسـرش را در صورتی که قصد ترک گفتن او را داشته باشــدُبا آن به قتلُ برُســاند، بستگان عروس جـوان در کدام قوطی، در کدام جیب، در کـدام جلیقه آراسته به قلابدوزی گذاشتهاند. قانون

می گفت: روز ازدواج هر گز به عقب نمی اقتد و را ربوی مر در بر عقب نمی افتد حتی اگر عروس در حال مرگ هم باشد ولو اینکه لازم باشد او را کشان کشان ببرند، همراهان عروس او را به خانه شوهر می برند. حتی اگر مرده ای هم در خانه شوهر باشد. وقتی عروس

یـــرون مـــیرود. از ســویی می گرینسد و از سسوی دیگر آواز میخوانند.. شاید سالها وقت لازم بود تابه صلح عادت ســالها لازم بُود تا به فقداُن أن عادت كنند وقتى كه خون ر آدممشخصی گریبانانسانرا بگیرد،غلبهبرآندشواراست، ولی باخونی که معلوم نبود از كجاسرچشمەمى گيردوكج خشک میشود چه می توان کرد؟ این خونی س

بلکه سیلاپهای خون نسل های انسانی بود که در ر کی اور برشى ازرمان آوريل شكسته



# خفهام كنتاتمام شود



در طـول روزهایی که گذشت ذهن بیشـتر م معطوف به اسید پاشـی و حوداک به وجـود آمده در کوبانی توسط داعشی ها اسـت. پدیده اسیدپاشی از ۲منظر برایم قابل بحث است. در ابتدا باید به تعریف پدر در خُانُواده توجه کنیم. تا پدر نباشید نمی توانید پیر در حوده و به حییه مهار بسید بنی و بید حس و حال پدرها را درک کنید. خیلی سخت است که پدر دخترش را راهی جامعه کند و شب هنگام با او تماس بگیرند و بگویند روی صورت دُخترتان اسید پاشیدهاند. دلم پر از غماست. جنس غم به وجود آمده

از بقیه داشت. با شنیدن کلمه آینه چهارستون ب



زرهگذراین اتفاق، قابل بازگو کردن نیست.

رر کریں ہے ۔یں اور کر کر ہے۔ فرض کنیہ چھے م میکے از اھالی خانہوادہ را پیمساعت قبل از بیرون رفتن از خانہ دیدہاید و سپوستاعه بین از بیرون روشن از خسه دیدهاید و حالانیم ساعت از اتفاق دردناک گذشته است. چـه عکسالعملی از خودنشنان می دهید؟ در این مواقع حدس زدن مکالمهای که بین آسیب دیده و پزشکناش در می گیرد کار چندان سختی نیست. حتمالا او به بر شک خواهد گفت: «خفهام کن تا تمام شود، تا تمام شـوم... وقتی خودم جرأت دیدن چهرهام را در آینه ندارم دیگر چه انتظاری می توان



تُ.اسُسِدُ یک تنه خانوادهای را به کما ماجرا نیست. استید یک نبه حاوادهای را به نما میبرد! به عقیده من ارزشهای انسانی، چهره و ثروتُ از مهم ترین داشــُته های آ دمیــان امروزُند، بنابراین اســید حداقــل یکــی از اصلی ترین ها را از بین می برد. خارج شدن اسید از قشری به نام کن است ساعتها طول بکشد. در تمام پوست سبعی است سامت عول بحسد. در این مرز جمور دارد. لحظاتی که این ماده شوم در آن قشر حضور دارد. کارش خوردن است و خُوردنُ و خوردُن…! پوسُ میخورد، جان را هم میخورد، این اسید… عصر ما، عصر توحش آست و وحشمی گری. هر انسانی با هر عقیده و طرز فکری زندگی خودش را

دارد. حتّــی اگر کار خطایی از او ســـر بزند، هیچ کس دیگری نمی تواند مجازاتش را تعییک کند.اصلا هیچ کس در حد تعیین تکلیف برای دیگران نیست. موضوعات ایُنچنینی باعث می شُـود که سُـوالاتی مطرح شـود و پاسـخ آن را باید پیجویی کرد. البته معتقدم سوال اُساسی را باید از پلیس پُرسید. پلیس در اتفاقات اصفهان کجا بود؟ چگونه است که شهری مثل اصفهان به این حداز التهاب می رسد اصفهان در بحران است و کسی دستگیر نشده اس





### دستمال کاغذی چهارگوش

شیشهماشین بیرون بردو گفت: «برودختر، بروکسی دســـتمال نمی خواد این وقت شب» دختر نگاهش همچنان به من بود و به حرفهای مرد توجهی نکرد. مردبار دیگر این بار باصدای بلندتر همان حرف قبلی را تکرار کرد، نگاه مستاصل من و صدای بلند راننده،

خب بخرم که هیچی بهشون نمیرسه». مرد صدای موزیک راباز کم کرد،از توی آینه نگاهی به زن انداخت و انگار منتظر همین حرف باشد، گفت: «بُله خانوم؛ يُه فيلُم هم تو تلويزيون نُشون داده بود اينا چطور كَارُ می کنن... همین دیروز من با یکیشــون دعوام شد. صدبار بهش گفتم نمی خوام شیشه امرو تمیز کنی، مگه ول می کرد. حالا این جا چون خط منه همه شون من رومی شناسن، زیادگیر نیستن، وگرنه این دختره ول کن نبود.» زن زیر لب گفت: «گناه دارن بیچارهها. مجبورشون می کنن دیگه.» پسربچه دیگری که

گوشه خیابان و شُروع کردند به شوخی کردن با هم. توی دستهای دختر قدکوتاه، یک بسته دستمال كاُغذىچھارگوشمربعىماندەبود.

فروغ عزيزى داستان نويس

را تلرار درد نکاه مستاصل من و صدای بلند راننده.
دختر رااز کنار ماشین کند و بردسراغ ماشین پشتی
که پراید نقرهای بود در زر بغل دستی نگاهش راسمت
ک براید نقرهای بود در نظر هستی نگاهش راسمت
من کردو گفت: «الام ملتی می سعورهایمی دونه
چی کار کند، ارشون بخره! نخره! میگن همشون
مال به نفرن میاره روزا پخششون میکند، آدم میگه

با بادکنک به ماشین می رسید و صدایش با صدای وبعد شمروع كردبه خنديمدن وهمان طور درحال فنديدن دستش فتسمت ضبط وصدايش رابلند